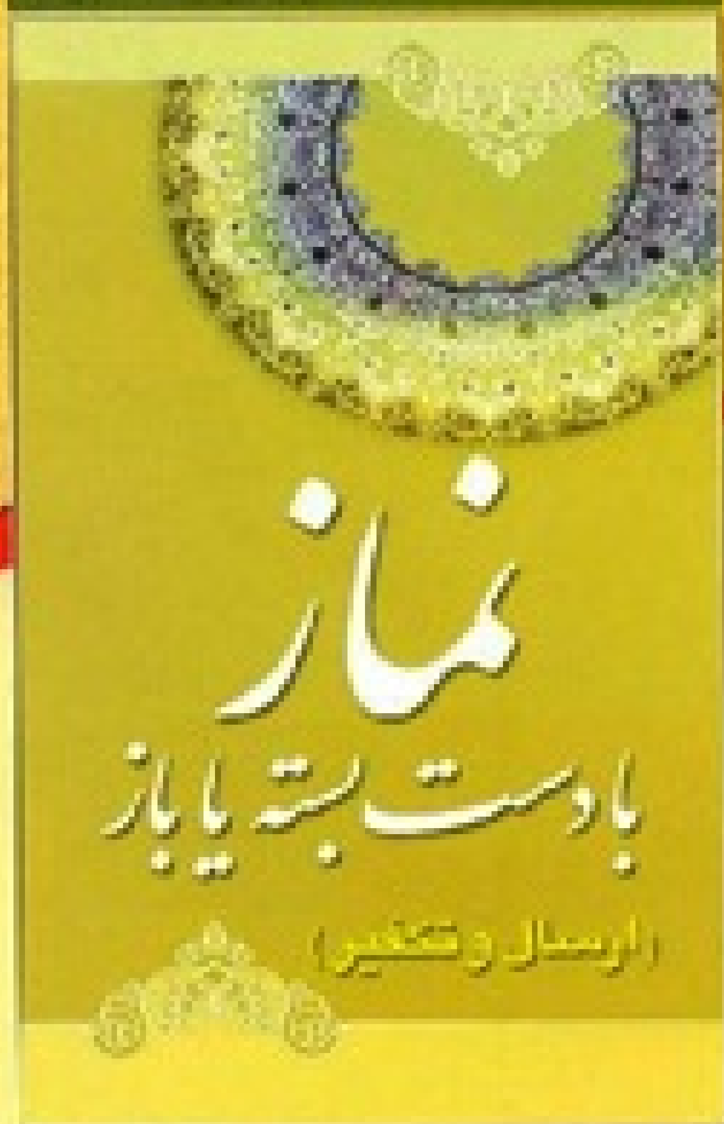


شیخ نجم‌الدین طبسی

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز با دست بسته یا باز ارسال و تکفیر

نویسنده:

نجم الدین طبسی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نماز با دست بسته یا باز ارسال و تکفیر

مشخصات کتاب

سرشناسه : طبسی، نجم‌الدین، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور : نماز با دست بسته یا باز ارسال و تکفیر/ نجم‌الدین طبسی ؛ ترجمه محمدحسین شیرازی .
مشخصات نشر : قم: دلیل ما، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری : ۵۶ ص.
فروست : سلسله درس‌هایی از فقه مقارن؛ ۳.
شابک : ۴۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۲۹۸-۱
وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری (فاپا)
یادداشت : کتابنامه: ص. [۴۹] - ۵۱ ؛همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع : تکتف.
موضوع : نماز -- اهل سنت
موضوع : نماز -- احادیث
شناسه افزوده : شیرازی، محمدحسین، ۱۳۳۴- مترجم
رده بندی کنگره : BP۱۸۶/۴/ط۲ن۸ ۱۳۸۶
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳
شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۵۲۵۲۹

مقدمه

اشاره

یکی از عالمـان بزرگ سـاکن آفریقا، که از فضـلای حوزه است، طی تماس تلفنی از نگارنـده خواست مطالبی دربارهٔ تکتّف؛ یعنی گذاشتن دست راست بر روی چپ به هنگام نماز از نظر روایی و تاریخی جمع آوری، تهیه و تنظیم کنم.
پس از بررسـی و پژوهش فشرده و سریع، به دلیل اشتغال زیاد و تنگی وقت، سرانجام موفق شدم مجموعهٔ حاضر را گردآوری نموده و به رشتهٔ تحریر در آورم.

تکفیر یا ارسال؟

پرسشـی که همواره برای بسیاری مطرح می‌شود، این است که: آیا گذاشتن دست، روی دست در نماز؛ چه دست راست روی دست چپ و چه دست چپ روی دست راست، جایز است یا خیر؟
مشهور نزد شیعه جایز نبودن آن است «۱» همان گونه که در کتاب‌های

---

(۱) خلاف، ج ۱، ص ۱۰۹.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۰

خلاف «۱»، غنیهٔ «۲» و دروس «۳» چنین است.

سید مرتضی در کتاب الانتصار «۴» ادعای اجماع بر عدم جواز کرده است. همچنین روایات بسیاری نیز از اهل بیت علیهم السلام در این باره رسیده است.

و نزد اهل سنت نیز کسانی مانند امام مالك و برخی از فقهای پیشین، آن را مکروه می‌شمارند و از تابعین و حتی از برخی صحابه نیز نقل شده که معتقد به ارسال بوده‌اند. «۵»

اختلاف در میان اهل سنت، در این مسأله از آنجا ناشی شده است که در میان روایات آنان نیز روایات صحیحی دربارهٔ نماز پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده که آن حضرت هنگام نماز دست راست خود را بر روی دست چپ نمی‌گذاشت؛ چنانکه ابن رشد قرطبی بر این مطلب تصریح کرده‌اند.

ابراهیم نخعی «۶» نیز، که پیش از ولادت بسیاری از پیشوایان مذاهب

---

(۱) خلاف، ج ۱، ص ۱۰۹.

(۲) غنیهٔ النزوع، ص ۸۱.

(۳) الدروس الشرعیهٔ، ص ۱۸۵.

(۴) الانتصار، ص ۴۱.

(۵) بدایهٔ المجتهد، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ذهبی دربارهٔ قرطبی مؤلف این کتاب می‌گوید: او علامه در فقه است ... در فقه برتری یافت... از نظر کمال و علم و فضل در اندلس بی‌نظیر بود ... همانگونه که در فقه پناهگاه مردم بوده، در طب و پزشکی نیز مردم به وی رجوع می‌کردند. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۳۰۸.

(۶) او از بزرگان قرن اوّل بود و برخی از صحابه را درك کرد و در سال نود و شش هجری وفات یافت.

ذهبی می‌گوید: او امام و حافظ، فقیه عراق و یکی از بزرگان است و از عده‌ای روایت نقل کرده است.. و نیز حکم بن عتیبه و سلیمان بن مهران و جمع بسیاری از او نقل کرده‌اند. او

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۱

چهارگانهٔ اهل سنت وفات یافته، معتقد به ارسال در نماز بوده است.

همچنین حسن بصری، «۱» تابعی که اهل سنت او را از نظر علمی و عملی سرور اهل زمانش می‌دانند و ابن سیرین «۲» و لیث بن سعد «۳» و عبد اللّه بن زبیر که او را از صحابه

همچنین معتقد بود که بسیاری از احادیث أبو هریره منسوخ است، عجلی می‌گوید: او مفتی اهل کوفه بود ... و مرد صالح و فقیهی بود ...، از احمد بن حنبل نیز نقل شده است که: ابراهیم بسیار باهوش و حافظ و صاحب سنت بوده، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۵۲۰.

ولی در نزد ما (شیعه) دربارهٔ او اختلاف است؛ مامقانی می‌گوید: گویا حسن می‌باشد.؟ و تستری می‌گوید: او در دشمنی با اهل بیت علیهم السلام شهرت دارد. تنقیح المقال، ج ۵، ص ۱۲۴ و قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۴۳ و ظاهراً نظر تستری به واقع نزدیکتر است.

(۱) حسن بصری دو سال پیش از اتمام خلافت عمر متولد شد و در نماز جمعه عثمان شرکت می‌کرد ... گفته‌اند که او در علم و عمل سید زمانش بود.

ابن سعد می‌نویسد: او جامع، عالم، رفیع، فقیه، ثقه، حجت، قابل اعتماد، عابد، ناسک و کثیر العلم بوده، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۵۷۱.

ولی در نزد ما روایات زیادی در مذمّت او وارد شده است.

(۲) محمد بن سیرین در اواخر خلافت عمر متولد شد و در سال یکصد و ده هجری از دنیا رفت. او سی صحابی را درک کرد. عجلی می‌گوید: کسی را فقیه‌تر از او در تقوی و نیز باتقواتر از او در فقه ندیدم. و طبری می‌گوید: ابن سیرین فقیه، عالم، باتقوی، کثیر الحدیث و راستگوست که اهل علم و فضل نیز به آن گواهی داده‌اند و حجت است. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۶۰۶.

و او از معتقدان به ارسال نماز بود.

علمای پیشین ما گرچه به او اشاره‌ای نکرده‌اند، لیکن از او کلماتی در دفاع و مدح از حَجّاج بن یوسف نقل شده است.

تستری می‌گوید: اگر این احادیث صحیح باشد، همین در نادانی و جهل او کافی است. قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۲۲؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۳۰.

(۳) در مورد لیث بن سعد گفته‌اند: او امام حافظ، شیخ الاسلام و عالم دیار مصر بود که در

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۲

دانسته‌اند، بلکه مشهورترین قول از مذهب مالک چنین است و همهٔ اهل مغرب بر این نظریه؛ یعنی ارسال معتقد بوده‌اند.

سه نظر اهل سنت:

رأی و نظریهٔ اهل سنت در تکفیر و یا ارسال سه قول است:

۱- کراهت ۲- جواز انجام آن، کراهت ندارد و ترکش هم مستحب نیست. ۳- مستحب «۱» و ما به منبعی که آن را واجب بداند، دست نیافتیم

سال ۹۴ هجری متولد شد و در سال ۱۷۵ هجری از دنیا رفت. احمد بن حنبل دربارهٔ او می‌گوید: لیث کثیر العلم و صحیح الحدیث ...ثقه و قابل اعتماد بود ... کسی در مصریها حدیثش از لیث صحیح‌تر نیست.

ابن سعد می‌گوید: لیث در فتوا مستقل و ثقه بود و احادیث زیادی نقل کرده است و عجلی و نسائی می‌گویند، لیث ثقه است، و ابن خراش می‌گوید: راستگو است و احادیث او نیز صحیح است. شافعی می‌گوید: لیث از مالک فقیه‌تر بوده ولی اصحاب او را برتری نداده‌اند.؟ سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۱۳۶ و او نیز معتقد به ارسال دستها در نماز بود.

در باور ما شیعیان او امام صادق علیه السلام را درک کرد و برای آن حضرت منقبت و بزرگی نقل کرده است ولی وسیله هدایت او نشد.؟

از خطیب نقل شده: اهل مصر به عثمان بدگویی می‌کردند، تا این که لیث در میان آنها ظاهر شد و از فضائل که عثمان برایشان گفت و آنها نیز خودداری کردند.! تستری بعد از آن می‌گوید: این مرد (خدا می‌داند) غیر از رذایل در او یافت نمی‌شود و او مردم را به حدیثهایی که توسط معاویه ساخته و جعل می‌شد، ارجاع می‌داد و روایت می‌گفت و چقدر اهل مصر نادان شدند که آنچه را چشمان خود از کارهای عثمان دیدند رها کردند و با دروغی که به آنها گفته شد، فریب خوردند. قاموس الرجال، ج ۸، ص ۶۳۲؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۶.

(۱) البیان و التحصیل، ج ۱، ص ۳۹۴.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۳

و وجوب آن، تنها به عوام اهل سنت نسبت داده می‌شود. «۱»

روایات نقل شده در کتابهای اهل سنت (با قطع نظر از ضعیف بودن سند آن) به بیست حدیث می‌رسد و از این تعداد تنها یک حدیث است که بخاری از ابو حازم نقل می‌کند. «۲»

همان‌طور که عینی «۳» و شوکانی «۴» و دیگران تصریح کرده‌اند، در آن حدیث و شبهۀ مرسل و منقطع بودن وجود و دارد همچنین حدیث مسلم که «۵» از ابی وائل نقل شده نیز گرفتار آفتِ ارسال است؛ زیرا روایات علقمه از پدرش مرسل است. ابن حجر نیز به آن تصریح دارد. «۶» و اما در مورد بقیۀ روایات باید گفت که آنها نزد اهل سنت ضعیف شمرده شده‌اند. و به اقرار اصحابِ سنن و جوامعِ و علمای رجال، اعتمادی بر آنها نیست: بنابراین، هیچ مجوّزی باقی نمی‌ماند، جز این که بگوییم این خود فعل و عملی است که دلیلی بر جایز بودن آن در نماز وجود ندارد. پس انجام آن به قصد مشروعیت و سنت و از آداب نماز شمردن، بی‌شک حرام است؛ چون در حرمت آن کافی است که بگوییم هیچ وجه

---

(۱) الفقه الإسلامی و ادلّته، ج ۴، ص ۸۷۴.

(۲) بخاری، ج ۱، ص ۱۳۵.

(۳) عمدۀ القاری، ج ۵، ص ۲۸۰.

(۴) نیل الأوطار، ج ۲، ص ۱۸۷.

(۵) مسلم، ج ۱، ص ۱۵۰.

(۶) تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۳۱۴.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۴

شرعی ندارد، تا چه رسد به این که خلاف آن ثابت شود و دلیلی بر نهی از آن داشته باشیم. «۱»

از عترت طاهرین علیهم السلام نیز نهی وارد شده است. دیگر این که آن عمل (کار) است و عمل در نماز جایز نیست؛ چنانکه ابن رشد نیز به آن (یا نزدیک به این قول) اشاره دارد.

و همچنین نامگذاری آن به «تکفیر» که مجوس آن را انجام می‌داده‌اند «۲»؛ تأییدی است بر نظریه عترت پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه تأکید بر آن است.

فقهای اهل سنت در چگونگی انجام تکفیر اختلاف دارند که آیا باید دست را بالای ناف قرار داد یا پایین آن و یا این که دست راست بر روی دست چپ قرار بگیرد یا به عکس؟ چگونه ممکن است تکفیر سنت مؤکّد باشد. در حالی که کیفیت آن مشخص نیست؟ چگونه کیفیت آن بر صحابه مخفی مانده است. با این که آنها هر روز افزون بر نمازهای مستحبی و نماز اموات و نمازهای عید، مقید به شرکت در نماز جماعت پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند!

اینها همه شواهد و تأکیدهایی است که نشان می‌دهد در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله چنین چیزی وجود نداشته است. بنابراین باید گفت: عمل (تکفیر) نیز

---

(۱) مصباح الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۱.

(۲) در کتاب آینه آیین مزدیسنی، ص ۲۰ نوشته کیخسرو «چاپ دوّم» آمده است: طریقۀ عبادت و نماز نزد آنها ایستادن در مقابل خداوند و قرار دادن دست عبودیت بر سینه است و این چنین خداوند را پرستش می‌کنند.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۵

مانند به جماعت خواندن نمازهای مستحبی در ماه رمضان (نماز تراویح) و اضافه کردن «الصلاهٔ خَیْرٌ مِنَ النَّوْم» و حذف «حَیَّ عَلَی خَیْرِ الْعَمَلِ» در اذان و حرام کردن دو متعهٔ (نکاح و حج) و جلوگیری از تدوین حدیث شریف و ... از اموری است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود آمده است.

روایات اهل بیت علیهم السلام

آنچه از اهل بیت علیهم السلام وارد شده، روایات فراوانی است که از تکفیر نهی کرده و آن را عمل مجوس دانسته است:

۱- «عن احدهما علیهم السلام قلت: الرجل یضع یده فی الصلاهٔ، و حکی الیمنی علی الیسری؟ فقال: ذلک التکفیر، لا تفعل». «۱»

راوی می‌گوید: به یکی از آن دو بزرگوار: (امام باقر یا امام صادق علیها السلام) گفتم:

کسی دست خود را در نماز بر دست قرار می‌دهد و گفته شده که دست راست را بر روی چپ گذاشته است این عمل چه حکمی دارد؟ ایشان فرمودند: این عمل تکفیر است و آن را انجام نده.

مجلسی بعد از نقل حدیث اوّل می‌گوید: این روایت حسن و مانند صحیح است و منظور از تکفیر، گذاشتن دست راست بر چپ است که اهل سنت انجام می‌دهند و نهی از آن، به خاطر حرام بودن است؛ چنان که بیشتر علماء به آن قائلند.

---

(۱) وسائل، ج ۷، ص ۲۶۶، ب ۱۶- مؤسسه آل البیت.

مرآهٔ العقول، ج ۱۵، ص ۷۴.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۶

۲- «عن أبی جعف علیه السلام: و علیک بالإقبال علی صلاتک ... و لا تکفر فإنما یفعل ذلک المجوس». «۱»

امام باقر علی السلام می‌فرماید: بر تو باد رو به قبله ایستادن، در نماز ... و تکفیر نکردن، چون تکفیر کار مجوس است.

۳- «علی بن جعفر قال: قال أخی قال علی بن الحسین:

وضع الرجل إحدی یدیه علی الأخری فی الصلاهٔ عمل، و لیس فی الصلاهٔ عمل». «۲»

علی بن جعفر می‌گوید: برادرم (امام موسی بن جعفر) گفت:

علی بن الحسین علیه السلام فرمود: قرار دادن یکی از دست‌ها بر دیگری در نماز یک کار و عمل است و چنین چیزی در نماز انجام نشود.

۴- «علی بن جعفر [أخیه موسی بن جعفر] و سألته عن الرجل یکون فی صلاته أ یضع إحدی یدیه علی الأخری بکفه أو ذراعه؟ قال: لا یصلح ذلک، فأن فعل فلا یعود له». «۳»

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند: از او پرسیدم در مورد شخصی که نماز می‌گزارد، آیا باید دستش را بر دیگری بگذارد، یا بازوی خود را؟ حضرت فرمود: این عمل صحیح نیست، اگر آن را انجام داده، تکرار نکند.»

۵- «عن علی علیه السلام فی حدیث الأربعمائهٔ: قال: لا یجمع المسلم یدیه فی

---

(۱) همان.

(۲) همان.

(۳) همان

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۷

صلاته و هو قائم بین یدی الله عز و جل، یتشبه بأهل الکفر یعنی المجوس». «۱»

امام علی علیه السلام در حدیث أربعمائهٔ می‌فرماید: مسلمان نباید در نماز، در حالی که در پیشگاه خداوند عزّ و جلّ قرار دارد، دستهایش را جمع کند؛ چون با این عمل به اهل کفر یعنی مجوس شبیه می‌شود.

۶- «عن أبی عبد الله علیه السلام فی حدیث أنه لما صلی قام مستقبل القبلهٔ، منتصبا، فأرسل یدیه جمیعا علی فخذیه قد ضم أصابعه». «۲»

از امام صادق علیه السلام در حدیثی نقل شده است که هرگاه به نماز می‌ایستاد، رو به قبله دستانش را بر رانهای خود قرار می‌داد و انگشتانش را نیز جمع می‌کرد.

۷- «عن أبی جعفر علیه السلام: قال: إذا قمت إلی الصلاهٔ فلا تلصق قدمک بالأخری ... و أسد منکبیک و أرسل یدیک و لا تشبک أصابعک و لیکونا علی فخذیک قبالهٔ رکبتیک ... و لا تکفر فإنما یفعل ذلک المجوس». «۳»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: وقتی به نماز می‌ایستی پاهایت را به هم نچسبنان و شانه‌هایت را بینداز و دستانت را باز کن و انگشتانت را در هم نکن و باید دستانت بر را نهایت برابر زانو باشد ... و تکفیر نکن، چون این عمل از اعمال مجوس است.

۸- «المجلسی عن الجامع البزنطی، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: فإذا قمت فی صلاتک فاخشع فیها ... و لا تکفر». «۴»

---

(۱) همان.

(۲) همان.

(۳) وسائل، ج ۷، ص ۵۱۱، باب ۱۷، و ص ۴۶۳.

(۴) بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۸۶، ذیل ح ۱/ مستدرک، ج ۵، ص ۴۲۰.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۸

علّامهٔ مجلسی، از جامع بزنطی، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: وقتی ارادهٔ نماز کردی خشوع داشته باش و تکفیر نکن!

۹- «القاضی نعمان المصری، عن جعفر بن محمد علیه السلام أنه قال: إذا کنت قائما فی الصلاهٔ: فلا تضع یدک الیمنی علی الیسری و لا الیسری علی الیمنی، فإن ذلک تکفیر أهل الکتاب، و لکن أرسلهما إرسالا، فإنه أحری أن لا یشغل نفسک عن الصلاهٔ». «۱»

قاضی نعمان مصری، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: هرگاه به نماز ایستادی، دست راست خود را بر چپ و یا دست چپ خود را بر راست مگذار، چون این عمل، تکفیر اهل کتاب است و بلکه آن را باز نگهدار، پس آن سزاوارتر است، تا این که خود را در نماز مشغول نکنی!

۱۰- «عن أبی جعفر علیه السلام قال: قلت له فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ»؟

قال النحر: الاعتدال فی القیام أن یقیم صلبه و نحره. و قال: و لا تکفر، فإنما یصنع ذلک ذلک المجوس». «۲»

از امام باقر علیه السلام نقل شده که می‌گوید: به حضرت عرض کردم:

«فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ» به چه معناست؟ فرمود: نحر یعنی اعتدال در قیام؛ به طوری که پشت و گردنش ایستاده و راست باشد و فرمود: تکفیر نکنید، چون این عمل از اعمال مجوس است.

---

(۱) دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۹/ مستدرک، ج ۵، ص ۴۲۰.

(۲) کافی، ج ۳، ص ۳۳۷.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۱۹

نظریهٔ فقهای شیعه

۱- شیخ مفید:

شیعه در ارسال (باز بودن دست در نماز) اتفاق نظر دارند و قرار دادن یکی از دستها بر دیگری، مانند تکفیر اهل کتاب را جایز نمی‌دانند و این که هر کسی در نماز چنین کند بدعت نموده و با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام از اهل بیت آن حضرت، مخالفت کرده است. «۱»

۲- سید مرتضی:

از چیزهایی که گمان کرده‌اند اختصاص به امامیه دارد منع از قرار دادن دست راست بر چپ در نماز است، چون غیر از امامیه اعتقاد به کراهت آن دارند و طحاوی در مورد اختلاف فقها از مالک حکایت کرده که قرار دادن یکی از دستها بر دیگری، در نمازهای مستحبی که قیام در آنها طولانی می‌شود، انجام می‌گیرد و ترک آن را در عین حال بهتر می‌دانم.
طحاوی، همچنین از لیث بن سعد نقل کرده که گفت: بازگذاشتن دستها در نماز، نزد من بهتر است از این که قیام در آن طولانی شود خستگی شدید به وجود آید، آنگاه قرار دادن دست راست بر چپ مانعی ندارد. «۲»

۳- شیخ طوسی:

قرار دادن دست راست بر چپ و چپ بر راست

---

(۱) الاعلام، ص ۲۲، چاپ شده در ضمن سلسله تألیفات شیخ مفید، ج ۹، کتاب التذکرهٔ.

(۲) الانتصار، ص ۴۱.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۰

در نماز، جایز نیست ... و از مالک دو روایت وارد شده است که یکی از آنها مثل قول شافعی است که قرار دادن دست راست بر چپ را جایز می‌شمارد و ابن القاسم از او روایت کرده است که ارسال دست‌ها سزاوار است.
و از او روایت شده که گفت: در نماز مستحبی وقتی قیام طولانی می‌شود، جایز است و اگر طولانی نشود، جایز نیست و در نماز واجب نیز جایز نیست، لیث بن سعد نیز می‌گوید: اگر خستگی پیش آمد دستهایش را باز بگذارد و اگر خسته نشد، انجام ندهد و قول مالک نیز چنین است.
دلیل ما، اجماع فرقهٔ امامیه است، در میان آنها اختلافی نیست در این که تکفیر نماز را قطع می‌کند و نیز این که ثبوت اجزای نماز نیاز به دلیل شرعی دارد و چیزی که بر مشروع بودن آن دلالت کند، در شرع مقدس موجود نیست و احتیاط پرهیز از تکفیر را ایجاب می‌کند؛ چون شکی نیست کسی که در نماز دست‌ها را جمع نمی‌کند، نمازش صحیح است پس بنابراین، جزم به صحت نماز واجب است. «۱»

۴- شیخ بهایی

می گویـد: تکفیر، یعنی قرار دادن دست راست بر چپ، که مخالفان آن را انجام می‌دهنـد و اکثر (علما) نهی در آن را به خاطر حرام بودن می‌دانند. آیا نماز را باطل می کند؟ بیشتر علما معتقد به (مبطل بودن) آن هسـتند، بلکه شـیخ طوسی و سید مرتضی معتقدند که اجماع بر آن وجود دارد. «۲»

(۱) الخلاف، ج ۱، ص ۱۰۹.

(۲) الحبل المتین، ص ۲۱۴؛ ملاذ الأخیار، ج ۳، ص ۵۵۳.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۱

منشأ و ریشهٔ تکفیر

گفته‌اند که تکفیر نیز از بدعتهای خلیفهٔ دوم، عمر بن خطاب است که آن را از اسرای عجم گرفته است.

محقّق نجفی می گویـد: حکایت شده است، هنگامی که اسـرای عجم را نزد عمر آوردند، آنان در مقابل او دسـتها را بر دیگری قرار دادند.

عمر دلیـل آن را پرسیـد، آنـان پاسـخ دادنـد: ما این کار را برای خضوع و تواضع در مقابل پادشاهان انجام می‌دهیم، عمر از این کار خوشش آمد و آن را در نماز در برابر خداوند انجام داد و از زشتی تشابه به مجوس در شرع غفلت کرد! «۱»

کلمات فقهای اهل سنت و پیشوایان آنها:

۱- مدونهٔ الکبری (نظر مالک به نقل از ابن قاسم):

مالک دربارهٔ قرار دادن دست راست بر چپ می گوید: در نماز واجب صحیح نمی‌دانم.

(۱) جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۹/ مصباح الفقیه، کتاب الصلاهٔ، ص ۴۰۲.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۲

مالک آن را مکروه می‌دانست ولی در نمازهای مستحبی، که قیام در آن طولانی می‌شود، جایز می‌شمارد. «۱»

۲- قرطبی می‌گوید:

علما در گذاشـتن یکی از دسـتها بر روی دیگری، در نماز، اختلاف نظر دارنـد، مالک آن را در نمازِ واجب، مکروه می‌داند ولی در نمازهای مستحبی جایز می‌شـمارد بعضـی چنین پنداشـته‌اند که این عمل از مسـتحبات نماز است، و آنها جمهور اهل سـنت هسـتند، سبب اختلاف آنها به این جهت است که آثار ثابتی در مورد نماز پیامبر صـلی الله علیه و آله وارد شـده است و در هیـچ یک از آنها در این باره (که آن حضـرت صـلی الله علیه و آله در نماز دست راست را بر چپ قرار داده باشد) سخنی را نقل نکرده‌اند و از طرفی مردم نیز به آن عمل امر شده‌اند و در روایت ابی حمید چنین وارد شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می کرده است.

بنابراین، عده‌ای معتقدند آثاری که آن (تکفیر) را ثابت می کند، مقتضی چیزی زاید بر آثاری است که تکفیر را ثابت نمی کند، پس واجب است که آن زیاده نیز انجام گیرد.

و بعضـی نیز معتقدند: واجب‌تر آن است به آثاری عمل شود که در آنها زیادی نیست، چون بیشتر هستند و بنا بر این، تکفیر در نماز

صحیح نیست و آن از بـاب یـاری جسـتن از خداونـد است و به این خاطر مالک در نماز مسـتحبی آن را جایز می‌شـمارد و در نماز واجب جایز نمی‌داند «... ۲»

۳- در بیان و تحصیل آمده است:

در مورد قرار دادن دست‌ها بر

(۱) مدونهٔ الکبری، ج ۱، ص ۷۶.

(۲) بدایهٔ المجتهد، ج ۱، ص ۱۳۶، ابن رشد قرطبی متوفای سال ۵۹۵ هجری.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۳

دیگری، در نمـاز، واجب، پرسـیدم: اگر دست راست را بر آرنـج چپ قرار دهـد در حال ایسـتاده، در نماز واجب و یا مسـتحب، آیا صحیح است؟

محمـد بن رشـد می‌گوید: قول مالک که می‌گوید: «اشـکالی نمی‌بینم» دلالت وارد بر جواز تکفیر در نماز واجب یا مسـتحبی، بدون تفصیل و در روایت ابن قاسم در مدونهٔ الکبری چنین آمده است که ترک آن در نماز بهتر از انجام آن است؛ چون در آن می‌گوید: در نمـازِ واجب، صـحیح نمی‌دانم و مالک آن را مکروه می‌دانست ولی در نمازهای مستحبی، زمانی که قیام طولانی می‌شود، انجام دادن آن، جهت رفع خسـتگی جـایز است و در بعضـی از روایـات، جملهٔ (آن را مکروه می‌دانست) حـذف شـده است، بنـابراین؛ با سقوط این جمله به نظر می‌رسـد که در مـذهب مالک ترک تکفیر افضل باشـد؛ چون معنای سـخن او که می‌گوید: «لا أعْرفُ ذلک فی الفریضهٔ» آن است که تکفیر را در نمازِ واجب، جایز نمی‌دانم که از سنت و یا مستحبات نماز باشد.

آنجا هم که می‌گوید: در نماز مستحبی، زمانی که قیام طولانی شد، جهت تجدید قوا و رفع خستگی اشکالی ندارد، فهمیده می‌شود که در نمـاز مسـتحبی اگر قیـام طولا‌نی نشود تکفیر اشـکال دارد و در نماز واجب هم اگر چه قیام طولانی شود، اشـکال دارد و اگر جملهٔ «کـان یکرهه» نیز در کلام باشـد. که دلالت آن واضـح‌تر است؛ چون حـدّ مکروه آن است که در ترک آن پاداش است و در انجام آن گناهی نیست. «۱»

(۱) البیان و التحصیل، ج ۱، ص ۳۹۴ و مرقاهٔ المفاتیح قاری، ج ۲، ص ۵۰۸.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۴

۴- نووی می‌گوید:

گفتیم که در مذهب ما تکفیر از سنت است...

ابـن منـذر از عبـد اللّه بن زبیر و حسن بصـری و نخعی حکـایت کرده که آن حضـرت صـلی الله علیه و آله دسـتهای خـود را پـایین می‌آورد و یکی را بر روی دیگری نمی‌گـذاشت و قاضـی أبـو الطیب نیز از ابن سـیرین حکـایت کرده و لیث بن سـعد نیز می‌گویـد: دستهایش را می‌انداخت ولی اگر قیامش طولانی می‌شد، جهت استراحت دست راست را بر چپ قرار می‌داد.

اوزاعی نیز می‌گوید: تخییر میان جمع کردن و انداختن دست است و عبد الحکم از مالک نقل کرده است که دستها را جمع می‌کرد ولی ابن القاسم از مالک جمع نکردن (ارسال) را نقل کرده است و آن مشـهور است و جمیع اهل مغرب، از اصـحاب و جمهور آنها بر این نظریه‌اند و به حدیث نماز مسیء (کسی که نمازش را اشتباه می‌خواند) استناد می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله به او نماز

آموخت و از قرار دادن دست راست بر چپ سخنی بر زبان نیاورد «... ۱»

بنابراین، در این مسأله سه قول وجود دارد:

نخست این که: در نماز واجب و مستحب جایز است. یعنی نه انجام آن مکروه است و نه ترکش مستحب. و این نظریه از این روایت (روایت صلاهٔ مسیء) استفاده می‌شود.

دوم این که: کراهت دارد و ترک آن در نمازِ واجب و مستحب، مستحب است، مگر هنگامی که در نماز مستحبی قیام طولانی شود که

---

(۱) المجموع، ج ۳، ص ۳۱۳.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۵

در آن صورت، تکفیر جایز است، نه مکروه و نه مستحب. و این قول مالک در المدونهٔ آمده است.

سوم: انجام دادن آن در نماز واجب و نافله مستحب است و ترک آن کراهت دارد و این قول مالک، در روایت مطرف بن ماجشون «۱» آمده است. «۲»

۵- عینی می‌گوید:

ابن منذر از عبد اللّه بن زبیر و حسن بصری و ابن سیرین حکایت کرده که دست‌ها را پایین قرار می‌داد و همچنین مشهور است که مالک نیز چنین نظری داشت و اگر (قیام) طولانی می‌شد، برای استراحت، دست راست را بر چپ قرار می‌داد.

لیث بن سعد نیز می‌گوید: اوزاعی معتقد به تخییر میان وضع تکفیر و ارسال بود. «۳»

۶- شوکانی از قول دارقطنی نقل می‌کند:

ابن منذر از ابن زبیر و حسن بصری و نخعی روایت کرده است که دست‌ها را باز می‌گذاشت و دست راست را بر چپ قرار نمی‌داد و نووی از لیث بن سعد و مهدی در کتاب البحر از قاسمیه و ناصریه، و باقر، و ابن القاسم از مالک نیز چنین نقل کرده‌اند. «۴»

۷- زحیلی می‌گوید:

جمهور علما، غیر از مذهب مالکی می‌گویند:

---

(۱) البیان و التحصیل، ج ۱، ص ۳۹۴ و مرقاهٔ المفاتیح قاری، ج ۲، ص ۵۰۸.

(۲) مفتی مدینهٔ و شاگرد مالک بن انس، بود و علاقهٔ خاصی به آواز و غنا داشت و از علم حدیث آگاهی نداشت.

سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۳۶۰.

(۳) عمدهٔ القاری، ج ۵، ص ۲۷۸، المغنی، ج ۱، ص ۴۷۲.

(۴) نیل الاوطار، ج ۲، ص ۱۸۶؛ المجموع، ج ۳، ص ۳۱۱؛ المغنی، ج ۱، ص ۵۴۹؛ شرح کبیر، ج ۱، ص ۵۴۹؛ المبسوط سرخسی، ج ۱، ص ۲۳؛ الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۵۱.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۶

سنت است که نمازگزار بعد از تکبیر دست راستش را بر پشت دست چپ و مفصل آن قرار دهد...

۸- مذهب مالکی می‌گوید:

مستحب است باز گذاردن دست‌ها در نماز با وقار، نه با قوت و قدرت و بستن دست‌ها بر سینه در نماز مستحبی جهت تکیه کردن بر آن بدون ضرورت جایز است، و بستن دست‌ها در نماز واجب، جهت تکیه کردن مکروه است.
و در بیان حقیقت مذهب مالک می گوید: با حقیقت مذهب مالك، که به منظور ستیز و دشمنی با عمل غیر منسوب (به پیامبر صلی الله علیه و آله) یعنی قصد تکیه کردن تقریر شده است و یا برای دشمنی با اعتقاد فاسد؛ یعنی گمان عامی به وجوب آن است «... ۱»

روایات از طریق اهل سنت

۱- البخاری ...: « عن أبی حازم، عن سهل:

اشاره

قال: کان الناس یؤمرون أن یضع الرجل الید الیمنی علی ذراعه الیسری فی الصلاهٔ.
قال أبو حازم: لا أعلمه إلا أن ینمی ذلک إلی النبی صلی الله علیه و آله قال إسماعیل:
یمنی ذلک، و لم یقل ینمی».
بخاری ...: از ابی حازم، از سهل بن سعد نقل کرده: مردم فرمان یافته‌اند که در نماز دست راست خود را بر روی دست چپ بگذارند.
ابو حازم می گوید:؟ من گمان نمی کنم که این امر، به کسی جز پیامبر صلی الله علیه و آله منسوب باشد.

---

(۱) الفقه الاسلامی و أدلّته، ج ۲، ص ۸۷۴.
نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۷
اسماعیل می گوید: منسوب شده است و نمی گوید: چه کسی نسبت داده است. «۱»

دقت و تأمل در معنای روایت

اشاره

معلوم نیست که چه کسی آنان را به قرار دادن دست راست بر چپ فرمان داده است؛ چنان که راوی این حدیث (ابو حازم) نیز یقین ندارد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داده باشد و به این خاطر است که می گوید:
نمی‌دانم، مگر این که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن فرمان داده باشد.
پس این روایت مرسل است و دلالت آن نه تنها واضح نیست که مبهم نیز هست؛ چنانکه از بیان عینی و شوکانی و سایر شارحان این حدیث نیز فهمیده می‌شود.

الف) عینی می‌گوید:

کلمهٔ «یُنمی» در این حدیث با ضمّ یاء و فتح میم و صیغه مجهول است و با فتح یا، بر صیغهٔ معلوم نگفته‌اند بنابراین حدیث مرسل

است؛ چون ابو حازم معین نکرده که چه کسی آن را نسبت داده است و اگر صیغهٔ معلوم (ینمی) باشد، حدیث متصل است. «۲»
پس این حدیث، که دارای احتمالات فراوان است، نمی‌تواند سنت را اثبات کند و نمی‌توان آن را به طور قطع و جزم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت دهد.

---

(۱) بخاری، ج ۱، ص ۱۳۵؛ الموطا، ج ۱، ص ۱۵۸.
(۲) عمدهٔ القاری، ج ۵، ص ۲۷۸.
نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۸

ب) سیوطی:

اسماعیل می‌گوید: یُنمی (با ضمّ اوّل و فتح میم) به لفظ مجهول است و نگفته است ینمی به لفظ معلوم و اسماعیل همان ابن ابی اویس است. «۱»

ج) شوکانی:

بعضی این حدیث را معیوب دانسته‌اند، چون شخص ابو حازم نیز در آن ظن داشته است ... و اگر این حدیث مرفوع- یعنی صحیح- بود و از پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده بود، دیگر لازم نبود ابو حازم بگوید: نمی‌دانم! (لا أعلمه). «۲»

۲- «روایت صحیح مسلم:

زهیر بن حرب، حدثنا عفان، حدثنا همام، حدثنا محمد بن جحادهٔ، حدثنی عبد الجبار بن وائل، عن علقمهٔ بن وائل و مولی لهم، أنهما حدثاه عن أبیه وائل بن حجر، أنه رأی النبی صلی الله علیه و آله رفع یدیه حین دخل فی الصلاهٔ، کبر- و صف همام حیال أذنیه، ثم التحف بثوبه، ثم وضع یدیه الیمنی علی الیسری».
روایت صحیح مسلم: زهیر بن حرب از عفان از همام، از محمد بن جحاده، از عبد الجبار بن وائل، از علقمهٔ بن وائل و غلام آنها، از وائل بن حجر نقل می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله را دید که وقتی خواست وارد نماز شود، دست‌ها را بلند کرد و تکبیر گفت و دست‌ها را در مقابل گوش‌ها قرار داد؟ سپس خود را در لباسش پوشاند، آنگاه دست راستش را بر چپ قرار داد «... ۳»

---

(۱) التوشیح علی الجامع الصحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۳.
(۲) نیل الاوطار ۲: ۱۸۶.
(۳) صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵۰؛ دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۸ و ۱۱.
نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۲۹

باید گفت: دلالت این حدیث روشن نیست زیرا در اینجا سخن از سنت فعلیه پیامبر صلی الله علیه و آله به میان آمده و نمی‌توان تشخیص داد که این کار به عنوان وجوب و یا استحباب و یا اباحه بوده، و آیا از روی اختیار بوده و یا اضطرار.
و این کار به چه غرض و انگیزه‌ای بوده؟ آیا به قصد اشاره به این که امری شرعی است و یا به قصد این که می‌خواست آن ردا و لباسی را که پوشیده، از شانهٔ حضرت به زمین نیفتد و یا به لحاظ سرما و یا کسالت ولی این روایت مرسل است؛ چون علقمهٔ بن

وائل راوی حدیث است و او از پدرش نقل می‌کند در حالی که بعد از وفات پدرش به دنیا آمده است! پس نمی‌تواند از پدرش شنیده باشد.

ابن حجر می‌گوید: عسکری از ابن معین حکایت می‌کند که گفت:

روایت علقمهٔ بن وائل از پدرش مرسل است «۱» و بعضی نیز گفته‌اند که او کودک خردسالی بوده و نمی‌توانسته نماز پدرش را درک کند. «۲»

ولی نتیجه در هر دو صورت یکی است؛ زیرا چنین کسی که نماز پدرش را نمی‌توانست درک کند، چگونه می‌تواند از پدرش حدیث نقل کند! افزون بر آن، «مولی لهم» «۳» علام آنها نیز که در روایت آمده معلوم نیست مراد کیست؟

---

(۱) تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۴۷؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۱۹۳ (حاشیه).

(۲) تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۳۱۴.

(۳) شاید مولی در اینجا به معنای ولاء ضمان جریره و یا به معنای دیگری باشد.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۳۰

۳- الموطأ:

اشاره

«حدثنی یحیی بن مالک، عن عبد الکریم بن أبی المخارق البصری، أنه قال: من کلام النبوهٔ «إذا لم تستحیی فافعل ما شئت» و وضع الیدین إحداهما علی الأخری فی الصلاهٔ (یضع الیمنی علی الیسری) و تعجیل الفطر »....»

موطا: مالک بن انس، از عبد الکریم بن أبی المخارق بصری نقل می‌کند که گفت: از سخنان نبوت این است: اگر شرم و حیا نداری هر چه می‌خواهی انجام بده. و قرار دادن دستها روی هم، به هنگام نماز خواندن...

ابن عبد اللّه می‌گوید: «یضع الیُمنی عَلَی الیسری» این عبارت کلام مالک بن انس است و جزء حدیث نیست. «۱»

بحثی در سند این روایت

۱- در این سند: عبد الکریم بن ابی المخارق است و معمر از ایوب نقل کرده که او ثقه نیست و عبد الرحمن بن مهدی او را متهم به عدم تقوی و عدم پرهیزکاری نموده و احمد بن احمد او را تضعیف کرده است یحیی بن معین نیز او را ضعیف شمرده است و ابن حبان او را کثیر الوهم و دارای خطاهای فاحش و غیر قابل احتجاج می‌داند ... و ابن عبد البر می‌گوید: تضعیف او اجماعی است و لذا مالک روایتی را که مشتمل بر احکام باشد از او نقل نکرده و آنچه را نقل کرده از مستحبات است. «۲»

---

(۱) موطا، ج ۱، ص ۱۵۸؛ ج ۱، ص ۷۸، کتاب الأنبیاء.

(۲) تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۱۱؛ التهذیب التهذیب، ج ۱۶، ص ۳۲۶.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۳۱

افزون بر آن، «مولی لهم» غلام آنها نیز که در روایت آمده، معلوم نیست، چه کسی است.

۴- نصر بن علی از ابو احمد:

اشاره

از علاء بن صالح، از زرعه بن عبد الرحمن نقل می‌کند که گفت: از ابن زبیر شنیدم که می‌گفت: ردیف هم گذاشتن پاها؛ یعنی کنار هم و صاف قرار دادن دست بر دیگری در نماز، از سنت است. «۱»

چند نکته

اول: این روایت با آنچه از نماز ابن زبیر ثابت است، تعارض دارد که او در نماز دست‌ها را می‌انداخت.

دوم: این روایت به پیامبر صلی الله علیه و آله اسناد داده نشده است.

سوم: در سند این حدیث علاء بن صالح تمیمیِ اسدیِ کوفی است.

بخاری می‌گوید: روایتش قابل قبول نیست لا یتابع.

و ابن مدینی می‌گوید: او (علاء بن صالح) روایات منکر نقل می‌کند «... ۲»

۵- محمد بن بکار بن ریّان:

از هشیم بن بشیر، از حجاج بن أبی زینب، از ابی عثمان نهدی، از ابن مسعود نقل کرده است که أنه کان یصلی فوضع یده الیسری علی الیمنی، فرآه النبی صلی الله علیه و آله فوضع یده الیمنی علی الیسری،

---

(۱) سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۰۱.

(۲) تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۱۶۴؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۰۱.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۳۲

هنگام نماز دست راستش را بر چپ قرار می‌داد، چون پیامبر صلی الله علیه و آله او را چنین دید دست چپ بر دست راستش قرار داد. «۱»

در سند این حدیث هشیم است، و مراد هشیم بن قاسم واسطی است که متهم به تدلیس و دستکاری در احادیث است و در آخر عمرش از نظر حس و هوش تغییر پیدا کرد یحیی بن معین نیز درباره‌اش می‌گوید: معلوم نبود چه چیزی از سرش بیرون می‌آمد یعنی چه بر زبان جاری می‌کند. «۲»

بنابراین، راجع به او حرف و سخن بسیار است؛ و روایتش نیز پذیرفته نیست.

و همچنین در سند این روایت حجاج بن ابی زینب سلمی (ابو یوسف صیقل واسطی) است و او نزد اهل سنت ضعیف شمرده شده است.

احمد بن حنبل نیز می‌گوید: بیم دارم که روایت او ضعیف باشد.

نسائی نیز می‌گوید: قوی نیست و دارقطنی می‌گوید: قوی و حافظ نیست. «۳»

۶- محمد بن محبوب:

از حفص بن غیاث، از عبد الرحمن بن اسحاق، از زیاد بن زید، از ابی جحیفه، از علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: السنة وضع الکف علی الکف فی الصلاة تحت السرة،

(۱) ابو داود، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ابن ماجهٔ قزوینی، ج ۱، ص ۲۶۶.

(۲) تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۵۶.

(۳) تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۳۱۸.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۳۳

قرار دادن کف دست بر کف دست دیگر در نماز در زیر ناف از سنت است. «۱»

در سند این حدیث زیاد بن زید است که مجهول است؛ چنان- که به نقل عسقلانی از- ابی حاتم نیز به آن تصریح کرده است. در تهذیب التهذیب نیز آمده است: زیاد بن زید سوائی اعسم کوفی. ابو حاتم می‌گوید: مجهول است. ابو داود از او به نقل از حضرت علی علیه السلام یک حدیث نقل کرده است که فرمود: قرار دادن کف دست بر کف دست زیر ناف در نماز از سنت است. «۲»

بخاری می‌گوید: باید در این روایت تأمل کرد.

و نیز در این روایت عبد الرحمن بن اسحاق است که علما بر ضعیف بودن او اتفاق دارند.

۷- محمد بن قدامه:

(یعنی ابن اعین) از ابی طالوت عبد السلام، از ابو جریر ضبی، از پدرش نقل می‌کند:

رأیت علیا یمسک شماله بیمینه علی الرسغ فوق السرهٔ، حضرت علی علیه السلام را دیدم که دست راستش را به وسیلهٔ دست چپش بر مفصل مچ، بالای ناف گرفته است.

در سند این روایت ابو طالوت؛ یعنی عبد السلام نهدی است. ابن سعد می‌گوید: او در روایت ضعیف است. «۳»

(۱) ابو داود، ج ۱، ص ۲۰۱؛ دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۱۰؛ سنن کبری، ج ۲، ص ۴۳.

(۲) تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۳۱۸.

(۳) ابو داود، ج ۱، ص ۲۰۱؛ نیل الأوطار، ج ۲، ص ۱۸۸.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۳۴

و نیز در سند این روایت ابن جریر ضبی است. ابن حجر می‌گوید:

در میزان الاعتدال، با خط ذهبی خواندم که او ناشناس یعنی مجهول است. «۱»

۸- مسدّد...

از عبد الرحمن بن اسحاق کوفی، از سیار ابی حکم، از ابی وائل، از ابو هریره نقل می‌کند که گفت:

أخذ الأکف علی الأکف فی الصلاهٔ من السنهٔ، گرفتن کف دست به وسیلهٔ کف دست زیر ناف در نماز (سنت است) «۲»

و نیز دارقطنی با اختلاف اندکی آورده است: قرار دادن کف دست بر کف، در نماز، سنت است. «۳»

لازم به گفتن است که در سند این حدیث عبد الرحمن بن اسحاق کوفی است و او نزد علماء رجال ضعیف است.

ابن معین می‌گوید: او ضعیف، ناچیز و بی‌ارزش است. ابن سعد و یعقوب بن سفیان و ابو داود و نسائی و ابن حبان او را ضعیف می‌شمارند و بخاری می‌گوید: در او تأمّل است. «۴»

افزون بر آن، ابو هریره این عمل را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت نداده است.

چون موارد مشابهی بوده که پس از تحقیق و سؤال از ابو هریرهٔ نام آن شخص را نمی‌برد. برای نمونه حدیث «من أصبح جنبا فلا صیام

(۱) تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۶۷.

(۲) ابو داود، ج ۱، ص ۲۰۱؛ نیل الأوطار، ج ۲، ص ۱۸۸.

(۳) سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۸۴.

(۴) تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۲۴.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۳۵

له»، کسی که بیدار شود و خود را با جنابت ببیند روزه او باطل است.

فإنه لما حوقق علیه قال: أخبرنیه مخبر و لم أسمعه من رسول الله صلی الله علیه و آله. «۱»

هنگامی که از او پرسیدند آیا خودت این حدیث را از پیامبر شنیدی؟

گفت: خیر کسی برایم نقل کرد.

۹- ابو توبه از هیثم:

اشاره

(یعنی ابن حمید) از ثور، از سلیمان بن موسی، از طاووس نقل می‌کند که گفت:

کان رسول الله صلی الله علیه و آله یضع یده الیمنی علی یده الیسری، ثم یشد بینهما علی صدره، و هو فی الصلاهٔ، رسول خدا صلی الله علیه و آله دست راستش را بر دست چپ قرار می‌داد و بر سینه‌اش می‌گذاشت و نماز می‌گزارد. «۲»

چند اشکال

اولًا: طاووس (که در این روایت آمده) پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکرده و جزو تابعین است. پس این روایت مرسل است.

ثالثاً: در سند این حدیث هیثم بن حمید آمده، که ابو داود و ابو مسهّر «۳» او را ضعیف شمرده‌اند ابو مسهّر می‌گوید، از اهل تخصص (در علم و حدیث) و راسخ نبود و اهل حفظ هم نبود و من از نقل

(۱). تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۱۹، ص ۱۲۲، البدایهٔ و النهایهٔ، ج ۸، ص ۱۰۹، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۶۰۸.

(۲) ابو داود، ج ۱، ص ۲۰۱.

(۳) نام او عبد الاعلی بن مسهر عنسانی و مشقی، متولد ۲۱۸- ۱۴۰ می‌باشد. سیر اعلام النبلاء ۱۰: ۳۲۸.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۳۶

حدیث او خودداری می‌کنم و او را ضعیف می‌شمارم. «۱»

۱۰- ترمذی:

قتیبه، از ابو الأحوص، از سماک بن حرب، از قبیصهٔ بن هلب، از پدرش نقل کرده که گفت:

کان رسول الله صلی الله علیه و آله یؤمنا فیأخذ شماله بیمینه، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر ما امامت می کرد، در حالی که دست چپش را به وسیلهٔ دست راستش گرفته بود. «۲»

ولی در سند این حدیث قبیصهٔ بن هلب؛ یعنی قبیصهٔ بن یزید طائی است و او چنان که ابن مدینی و نسائی نیز گفته‌اند: مجهول است. «۳»

۱۱- ابن ماجه:

علی بن محمد از عبد اللّه بن ادریس از بشر بن معاذ ضریر، از بشر بن مفضل، از عاصم بن کلیب، از پدرش از وائل بن حجر نقل کرده‌اند که گفت: دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می گزارد و دست چپش را به وسیلهٔ دست راست گرفته بود. «۴»

لازم است گفته شود که بسیاری از روایات کتاب سنن ابن ماجه ضعیف است.

ابن حجر می گوید: کتاب او در سنن جامع و ابواب و غرائب آن خوب است ولی در آن، روایات بسیار ضعیفی وجود دارد؛ به حدّی که شنیده‌ام سرّی گفته است: هر گاه در این کتاب روایت منفرد و تنهایی دیده شود، در بسیاری از موارد ضعیف است.

---

(۱) تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۸۲.

(۲) الجامع الصحیح، ج ۲، ص ۳۲؛ دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۸ و ۱۱.

(۳) تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۴۷؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۱۹۳ (حاشیه).

(۴) ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۶۶.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۳۷

أبی زرعه نیز می گوید: لیس فیه إلا نحو سبعهٔ أحادیث، در آن، در آن، روایت صحیح وجود ندارد به جز هفت حدیث «... ۱»

ذهبی می گوید: روایاتی که در ابن ماجه حجیت ندارد، بسیار است و شاید به هزار برسد. «۲»

علاوه بر آن، ابو داود: روایت عاصم بن کلیب از پدر، و او از جدش را بی‌اعتبار می‌داند. «۳»

۱۲- دارمی:

ابو نعیم از زهیر، از ابو اسحاق، از عبد الجبّار بن وائل، از پدرش نقل کرده که گفت: رأیت رسول الله صلی الله علیه و آله یضع یده الیمنی علی الیسری قریبا من الرسغ، دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله دست راستش را بر چپ، نزدیک بازو و مفصل «۴» قرار داده بود. «۵»

در اینجا باید متذکر شد که عبد الجبار بن وائل از پدرش نشنیده است؛ زیرا پس از مرگ پدرش متولد شده است.

ابن حبان در الثقات می گوید: هر کسی فکر کند، ابن وائل از پدرش شنیده است، توهمی بیش نیست؛ چون پدرش وفات یافت در حالی که مادرش به او حامله بود. بخاری نیز می گوید: صحیح نیست که گفته شود، او از پدرش (روایت

---

(۱) تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۴۶۸.

(۲) سیر أعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۷۹.

(۳)؛ تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۴۱۲، «عاصم بن کلیب عن أبیه عن جده لیس بشیء.» (حاشیه).

(۴) مفصل، بین ساعد و کف است، فتح الباری، ج ۲، ص ۲۲۴.

(۵) سیر اعلام النبلاء، ۱۳: ۲۷۹.

شنیده است، چون پدرش پیش از تولد او وفات یافته بود و ابن سعد نیز می‌گوید ...: در این باره می‌گویند که او از پدرش روایت کرده و از سویی می‌گویند: پدرش را ندیده است!

ابو حاتم و ابن جریر طبری و جریری و یعقوب بن سفیان و یعقوب بن شیبه و دارقطنی و حاکم و پیش از آنها ابن مدینی و دیگران نیز قریب به این مطالب گفته‌اند. «۱»

۱۳- دارقطنی:

ابو محمد صاعد از علی بن مسلم، از اسماعیل بن ابان ورّاق، از مندل، از ابن ابی لیلی، از قاسم بن عبد الرحمن از پدرش، از عبد اللّه بن مسعود نقل کرده است که إن النبی کان یأخذ شماله بیمینه فی الصلاهٔ، پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز دست چپش را به وسیلهٔ دست راستش می‌گرفت. «۲»

در سند این حدیث، مندل؛ یعنی ابن علی عنزی است که نزد اهل سنت ضعیف شمرده و بخاری نیز او را در شمار ضعیفان قرار داده است. نسائی نیز او را ضعیف می‌شمارد ابن سعد هم می‌گوید: ضعف دارد، جوزجانی می‌گوید: روایتش سست است و ساجی می‌گوید:

ثقه و قابل اعتماد نیست؛ چون روایت منکر و غریب نقل می‌کند ابن قانع و دارقطنی می‌گویند: ضعیف است. ابن حبان می‌گوید: او از کسانی است که به سبب بدی حافظه‌اش، مرسله را مرفوعه می‌داند و روایات موقوف را مسند به شمار می‌آورد، پس مستحق ترک است.

---

(۱) تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۹۶.

(۲) دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۱.

طحاوی نیز می‌گوید: او به هیچ وجه اهل تثبت در روایت نیست؟

و نمی‌توان به حدیثش احتجاج و استدلال کرد. «۱»

۱۴- دارقطنی:

عبد اللّه بن محمد بن عبد العزیز، از شجاع بن مخلد، از هشیم، از منصور، از محمد بن انصاری، از عایشه نقل می‌کند که گفت: ثلاثهٔ من النبوهٔ ... و وضع الید الیمنی علی الیسری فی الصلاهٔ، سه چیز از خصوصیات و ویژگی‌های نبوت است:

...و قرار دادن دست راست بر چپ هنگام نماز. «۲»

در این حدیث محمد بن ابان انصاری است که ممکن نیست از عایشه نقل کرده باشد، پس این روایت مرسل است. «۳»

ذهبی به نقل از بخاری می‌گوید: لا یعرف له سماع منها، یعنی معهود نیست که ایشان روایتی از عایشه شنیده باشد. «۴»

همچنین هشیم (ابن منصور) است که پیشتر دربارهٔ ضعیف بودن او سخن گفتیم. «۵»

۱۵- دارقطنی:

ابن صاعد از زیاد بن ایوب، از نصر بن اسماعیل، از ابن ابی لیلی، از عطا، از أبو هریره، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

---

(۱) تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۶۶.

(۲) دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۲.

(۳) دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۴.

(۴) میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۵۴.

(۵) تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۵۶.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۴۰

أمرنا معاشر الأنبياء ... و نضرب بأيماننا على شمائلنا في الصلاة، ما گروه پیامبران امر شدیم به اینکه ... در نماز دست راستمان را بر دست چپمان بزنیم. «۱»

در سند این حدیث، نصر بن اسماعیل؛ یعنی أبو مغیره است احمد و نسائی و ابو زرعه گفته‌اند: او قوی نیست. از ابن معین نیز بنابر قولی نقل شده که او ضعیف است.

ابن حبّان می‌گوید: اشتباه او فاحش و وهم و خیالات او بسیار است. پس مستحق ترک است. حاکم نیز می‌گوید: او نزد آنها (اهل سنت) قوی نیست. ساجی می‌گوید: روایت‌های غریب دارد. «۲»

۱۶- دارقطنی:

ابن سکین از عبد الحمید بن محمد از مخلد بن یزید، از طلحه، از عطاء، از ابن عباس، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

إنا معاشر الأنبياء أمرنا ... أن نمسك بأيماننا على شمائلنا في الصلاة، ما گروه پیامبران فرمان یافته‌ایم که ... در نماز دست راست را بر چپ قرار دهیم. «۳»

در سند این حدیث طلحه (بن عمرو بن عثمان حضرمی کوفی) است. و همه او را ضعیف می‌شمارند. احمد می‌گوید: ارزشی ندارد و روایتش متروک است

---

(۱) سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳.

(۲) تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۸۸.

(۳) سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۴۱

ابن معین می‌گوید: ارزشی ندارد و ضعیف است. جوزجانی نیز گفته است: کسی از روایتش راضی نیست. ابو حاتم می‌گوید: قوی نیست و نزد اهل سنت سست شمرده شده است. ابو داود می‌گوید: ضعیف است. نسائی می‌گوید: حدیث او متروک است. بخاری می‌گوید: ارزشی ندارد. یحیی بن معین نیز نسبت به او نگاه منفی دارد.

ابن سعد می‌گوید: او احادیث بسیار ضعیف، زیاد دارد.

ابن مدینی می‌گوید: ضعیف است و ارزشی ندارد. ابو زرعه و عجلی و دارقطنی می‌گویند: ضعیف است. فسوی او را در باب

کسانی که به روایت آنها توجهی نمی‌شود آورده است.

ابن حبان می‌گوید: او از ثقات چیزی نقل نکرده، مگر آنچه را که نوشتن آن جایز نبوده و این احادیث را نقل نکرده‌اند مگر از باب تعجب. «۱»

۱۷- دارقطنی:

محمد بن مخلد از محمد بن اسماعیل حسانی، از وکیع از یزید بن زیاد بن ابی جعد، از عاصم جحدری، از عقبه بن ظهیر، از حضرت علی علیه السلام نقل کرده که در مورد «فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ» فرمود: وضع الیمین علی الشمال فی الصلاهٔ، یعنی قرار دادن دست راست بر دست چپ در نماز. «۲»

در این روایت نام وکیع آمده است که می‌گویند او در پانصد روایت به خطا رفته است. «۳»

---

(۱) تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۱.

(۲) دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۵.

(۳) تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۴۲

مروزی نیز گفته است که او در آخر عمر احادیث را از حفظ نقل می‌کرد و الفاظ آن را تغییر می‌داد، گویا حدیث را نقل معنی می‌کرد و از اهل لسان نبود. «۱»

۱۷- دارقطنی:

احمد بن محمد بن جعفر جوزی، از مضر بن محمد از یحیی بن معین، از محمد بن حسن واسطی، از حجاج بن ابی زینب، از ابو سفیان، از جابر نقل کرده می‌گوید:

مر رسول الله صلی الله علیه و آله برجل شماله علی یمینه ... مثله، رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی برخورد کرد که دست چپش را بر دست راستش قرار داده بود ... پس پیامبر دست راستش را گرفته و بر دست چپ قرار داد. «۲»

در این حدیث حجاج بن ابی زینب امده که دربارهٔ ضعیف بودن او پیش از این سخن گفتیم.

۱۹- دارقطنی:

در جای دیگر از حجاج بن ابی زینب، از ابن مسعود نیز همانند آن را نقل کرده است که این حدیث نیز به خاطر وجود ابن ابی زینب در شمار راویان، ضعیف است. «۳»

۲۰- حسن بن خضر

در مصر از محمد بن احمد ابو العلاء، از محمد بن سوار، از ابو خالد احمد، از حمید، از انس نقل می‌کند و می‌گوید:

کان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا قام فی الصلاهٔ، قال: هکذا و هکذا عن یمینه

---

(۱) تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

(۲) دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۷ و ۱۳ ح ۱۴.

(۳) دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۷ و ۱۳ ح ۱۴.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۴۳

و عن شماله، رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه به نماز می‌ایستاد به طرف دست راست و چپش می‌گفت: این گونه و آن گونه باشید «... ۱»

در این روایت ابو خالد احمد (سلیمان بن حیان ازدی) آمده است که بعضی در مورد حفظ و ضابط بودن او سخن گفته‌اند.

ابن معین می‌گوید: حجت نیست و أبو بکر بزاز در کتاب سنن می‌گوید: او از کسانی نیست که زیارت (در روایتهایش) حجت باشد، چون اهل علم به نقل او اتفاق دارند؟ او حافظ نبوده و احادیثی را از اعمش و دیگران (که اعتنایی به آن روایات نیست) نقل کرده است. «۲»

حجت نیست و أبو بکر بزار در کتاب سنن می‌گوید: او از کسانی نیست که روایاتش حجت باشد، چون اهل علم به اتفاق دارند که او حافظ نبوده و احادیثی را از اعمش و دیگران (که اعتنایی به آن روایات نیست) نقل کرده است. «۳»

اضافه بر آن این حدیث هیچ دلالتی بر مورد بحث ندارد چون مفاد آن این است که پیامبر صلی الله علیه و آله از سمت راست و چپ خود به نماز گران می‌فرمود، و چنان باشد و این ربطی به تکفیر ندارد.

۲۱- احمد بن حنبل:

از محمد بن حسن واسطی (مزنی) از ابو یوسف حجاج یعنی ابن ابی زینب صیقل- از ابو سفیان، از جابر نقل می‌کند، مر رسول الله صلی الله علیه و آله برجل و هو یصلی و قد وضع یده الیسری علی الیمنی فانتزعها و وضع الیمنی علی الیسری، پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که نماز می‌خواند در حالی که دست چپ را بر روی دست راست قرار داده بود آن حضرت بی‌درنگ دست راست او را بر دست چپش قرار داد. «۴»

---

(۱) دارقطنی، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۵.

(۲) تهذیب التهذیب، ج ۴، ص

(۳) تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۶۰.

(۴) مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۸۱.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۴۴

در سند این حدیث، أبو یوسف حجاج است، که مورد تأمل علمای رجال قرار گرفته. احمد بن حنبل دربارهٔ او گفته است ترس آن می‌رود که او ضعیف باشد.

و ابن المدینی گفته است او ضعیف است.

نسائی نیز گفته است: او قوی نیست دارقطنی می‌گوید: نه قوی و نه حافظ است. «۱».

و همچنین در سند این حدیث، محمد بن حسن واسطی قرار دارد که او هم مورد بحث و تأمل است و ابن حبان او را در ردیف ضعفاء قرار داده و درباره‌اش گفته است:

او در سند احادیث تصرف می‌کرد. «۲»

چکیده بحث

اشاره

مجموع روایاتی که افادهٔ تکفیر می‌کند خالی از اشکال دلالی و ضعف سندی نیست.

حدیث اول

– که از بخاری نقل شده، اشکال دلالی دارد و از شبهه مرسل بودن نیز خالی نیست و اسناد آن (همانطور که عینی و شوکانی نیز تصریح کرده‌اند) به پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت نیست.

حدیث دوم

– از مسلم نقل شده و در آن علقمهٔ بن وائل آمده که از

---

(۱) تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۷۵.

(۲) تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۰۴.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۴۵

پدرش نقل می‌کند. این روایت مرسل است، چون او بعد از مرگ پدرش متولد شده است.

حدیث سوم

– از ابو داود نقل شده و علاء بن صالح از راویان آن است که اعتنایی به روایت او نمی‌شود (و مورد قبول نیست)؛ چنان که بخاری نیز به آن تصریح کرده است و اضافه بر آن، با حدیث دیگری که از ابن زبیر نقل شده تعارض دارد.

حدیث چهارم

– از ابی داود نقل شده و در سند آن هشیم آمده که مدلس است و روایت را دستکاری می‌کند و تغییر در خود او هم نیز پیدا شده است؟ و دیگر آن که حجّاج در آن آمده است که او نیز ضعیف است.

حدیث پنجم

– از ابی داود نقل شده و در سند آن زیاد بن زید قرار دارد که مجهول است و دیگر آن که عبد الرحمن بن اسحاق در این سند است که به اتفاق علما ضعیف است.

حدیث ششم

– از ابی داود نقل شده و در آن طالوت است حدیث او ضعیف است و نیز ضبّی در آن آمده و او نیز ناشناس و مجهول است.

حدیث هفتم

– از ابی داود نقل و در آن عبد الرحمن بن اسحاق است که او نیز ضعیف است.

حدیث هشتم

– از ابی داود نقـل شـده و در آن هشـیم آمـده که ضـعیف است و اضافه بر آن این روایت مرسل است؛ چون طاووس تابعی است و پیامبر صلی الله علیه و آله را ندیده و از آن حضرت حدیثی نقل نکرده است.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۴۶

حدیث نهم

– روایت ترمذی است و در سند آن قبیصه آمده که مجهول است.

حدیث دهم

– حدیث ابن ماجه است که غالب روایات آن، جز هفت مورد، ضعیف است.

حدیث یازدهم

– حـدیث دارمی است و در آن عبـد الجبار از پـدرش نقل می‌کنـد. این روایت مرسل است؛ چون عبـد الجبار بعـد از مرگ پـدرش متولد شده و بنابراین، از پدرش این روایت را نشنیده است.

حدیث دوازدهم

– از دارقطنی نقل شده و در آن مندل آمده که ضعیف است.

حـدیث سـیزدهم– از دارقطنی نقل شـده و در آن محمـد بن ابان انصاری آمـده که امکان نـدارد از عایشه نقل کرده باشد، پس این روایت مرسل است و نیز هشیم در سند این روایت آمده که ضعیف است.

حدیث چهاردهم

– از دارقطنی نقل شده و در آن نضر بن اسماعیل آمده که ضعیف است.

حدیث پانزدهم– در سند آن طلحه آمده که همه او را ضعیف می‌دانند.

حدیث شانزدهم

– از دارقطنی نقل شده و در آن وکیع آمده که در پانصد حدیث به خطا رفته است.

حدیث هفدهم و حدیث هجدهم

– از دارقطنی نقل شده و در آن دو، حجاج بن ابی زینب آمده که ضعیف است.

نماز با دست بسته یا باز (ارسال و تکفیر)، ص: ۴۷

حدیث نوزدهم

- از دارقطنی نقل شده و در آن ابو خالد احمد آمده که در او حرفها بسیار است و حدیثش حجت نیست.

و از نظر دلالت چندان واضح نیست که مراد همین تکفیر (دست و روی دست گذاشتن باشد). بنابراین، مستندی که بتوان در این مقام بر آن تکیه کرد و به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داد که آن حضرت دست راستش را بر چپ قرار می‌داد باقی نماند، اضافه بر آن، بعضی از اصحاب و ائمه مذاهب؛ مانند ابن زبیر و امام مالك و ابن سیرین و حسن بصری و نخعی و ... آن را ناپسند می‌دانستند و اعتقاد به ارسال داشتند و مذهب اهل بیت علیهم السلام نیز چنان که از روایات و فتاوی فهمیده می‌شود معتقد به عدم جواز و غیر شرعی بودن آن است.

پس می‌توان گفت این عمل به بدعت نزدیکتر است تا به سنت. وَ السَّلامُ عَلی مَنِ اتَّبَعَ الْهُدی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


WWW